

کیمیا

اقتضای زندگی دنیوی، قرارگیری در سختی و آسانی است؛ هر چند که همواره آسانی دو برابر سختی‌ها از نظر کمیت و کیفیت است؛ زیرا هر سختی پوشیده با دو آسانی است؛ اما همین سختی‌های نپیم و نمنصف از آسانی، انسان را کلافه می‌کند و زمام امور را از کف انسان خارج می‌سازد. بنابراین، یکی از دغدغه‌های انسان، راهی از سختی‌ها استست که البته بر اساس آموزه‌های قرآن، در دنیا شدنی نیست؛ زیرا انواع و اقسام سختی‌های کبفری و رهایی است که اگر انسان از سختی‌های کبفری رها شود، هرگز از سختی‌های ابتلائی رهایی ندارد؛ چرا که سنت و قانون الهی در زندگی انسان چنین است که انسان تا زمانی که در دنیا زندگی می‌کند، به انواع و اقسام سختی‌های ابتلائی گرفتار شود. بر این اساس، انسان باید به جای آنکه برای رهایی از سختی‌های ابتلائی چاره‌اندیشی کند که فایده‌ای هم ندارد، می‌بایست در اندیشه‌ها و راهی باشد تا واکنش‌های مناسب و درستتری در برابر سختی‌ها داشته باشد که او را از اضطراب و نگرانی برهاند و به آرامش و سعادت برساند. نویسنده بر این مطلب با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآن بر آن است تا بهترین واکنش‌ها را در برابر سختی‌ها معرفی کند.

وظایف ما در برابر سختی‌ها

سختی‌های ابتلائی، سنتی الهی است‌که ما دو دسته از سختی‌ها در زندگی مواجه‌است که شامل سختی کبفری و ابتلائی است. سختی کبفری به آن دسته از سختی‌هایی گفته می‌شود که انسان به سبب افکار و رفتارهای نادرست، بدان گرفتار می‌شود. به عنوان نمونه شقاوتی که آدم در دنیا پس از هیبوط تا آن مبتلا شد، به سبب خوردن و چشیدن از میوه ممنوعه بود.(سوره، آیات ۱۱۵ تا ۱۲۱) خدا در قرآن بیان می‌کند که مهم‌ترین عامل از دست رفتن نعمت‌ها، تغییری است که انسان در نفس خویش با گناه و فجور ایجاد می‌کند(شمس، آیات ۷ تا ۱۰، رعد، آیه ۱۱) در حقیقت این گرفتار شدن به سختی و از دست رفتن نعمت‌ها به سبب گناه انسان و به عنوان مجازات و کیفر است(نحل، آیه ۱۱۲، مائده، آیه ۹۶) چنانکه خدا به صراحت در قرآن بیان می‌کند که ظهور فساد در محیط زیست انسانی جز بخاطر دستاوردهای خود انسانی نیست(روم، آیه ۴۱)

از نظر قرآن، انسان‌ها با صیانت از نفس الهی خویش با تقوای الهی و ایمان می‌توانند نعمت‌ها را حفظ و صیانت کنند و از سختی‌های کبفری و مجازاتی در امان بمانند. (مائده، آیه ۹۶؛ انفال، آیه ۵۳؛ نحل، آیه ۱۱۲) خدا در کنار سختی‌های کبفری که انسان در زندگی با آن مواجه می‌شود نوعی دیگر از سختی‌ها وجود دارد که آنها به سختی‌های ابتلائی می‌یاد می‌شود؛ زیرا سنت الهی این است تا انسان‌ها در زندگی دنیوی در شرایط سخت قرار گیرند.اهدای برای سختی‌های ابتلائی بیان شده که شامل: پرهمندی از امدادهای غیبی الهی برای مومنان صابر(آل عمران، آیات ۱۲۴ و ۱۲۵)، انابه و تضرع به درگاه الهی(روم، آیات ۲۳ تا ۲۴؛ انعام، آیات ۴۲ و ۴۳؛ اعراف، آیه ۹۶)؛ بروز باطن انسان و نمایش حقیقت‌های(توبه، آیه ۴۲؛ یونس، آیه ۱۲؛ روم، آیه ۳۳؛ زمر، آیه ۸)، آشکار شدن باطن برخی از امور مانند ناتوانی پتان(اسراء، آیه ۶۷)، بیداری فطرت توحیدی مردمان(انعام، آیات ۳۰ تا ۴۲؛ یونس، آیه ۱۲؛ نحل، آیه ۵۳)، زمین‌سازي توبه و بازگشت به سوی حق(زُحُف، آیه ۴۸)، وآوری به سوی خدا(انعام، آیات ۴۲ و ۴۳؛ اعراف، آیه ۱۳۴)، تنبه و اعتراف به گنای(یونس، آیه ۹۰؛ انبیا، آیه ۴۶)، انگیزه دعا و نیایش به درگاه خدا(انعام، آیات ۴۲ و ۴۳ و ۶۳؛ انبیا، آیات ۸۲ تا ۸۸)، جداسازی مومن از منافق(آل عمران، آیات

۱۶۵ تا ۱۶۷؛ احزاب، آیات ۱۰ و ۱۸)، شناخت ولایت و سلطه تمام و کمال خدا بر همه هستی و امور(کهف، آیات ۴۳ و ۴۴)، و مانند آنها می‌شود.

بر این اساس، نمی‌توان از امتحان‌ها و سختی‌های ابتلائی رهایی یافت؛ زیرا حتی ایمان‌آوری نه تنها موجب نمی‌شود تا انسان از بلا و آزمون برهد، بلکه بلاها و سختی‌ها افزایش می‌یابد تا جایی که گفته‌اند: اللاله لولا؛ بلا برای اهل ولایت است؛ زیرا از نظر آموزه‌های قرآن، انسان‌ها با حضور رهبران الهی و ایمان‌آوری، در معرض ابتلائات بیشتر و سخت‌تری از نظر کمیت و کیفیت قرار می‌گیرند؛ چرا که این ابتلائات نه تنها موجب رشد آنان است، بلکه با این مجموعه عظیم کمی و کیفی ابتلائات و سختی‌ها، مومنان از منافقان و ابتلا، آفرانگی می‌شوند(نمل، آیات ۴۷ و ۴۹، بقره، آیه ۱۶۶ و ۱۶۷ و ۱۷۹) بنابراین، از نظر قرآن، صرف ایمان موجب نمی‌شود تا انسان از سختی‌ها و مصیبت‌ها رهایی یابد؛ بلکه خود ایمان موجب قرارگیری انسان در شرایط دشواری است که سنت ابتلا، آفرانگی از خدا دارد.(عنکبوت، آیات ۲ و ۳) در آیات قرآن مصادیقی از بلاها و ابتلائاتی که پیامبران و مومنان بدان گرفتار آمدند، بیان شده است. چنانکه بیان می‌کند که پیامبر اکرم(ص) با سختیها و مشکلات فراوان رو برو بوده است.(معارج، آیه ۱۵، آل عمران، آیه ۱۸۵) به‌طوری که اگر امدادهای غیبی الهی نبود، این

واکنش در برابر این دسته از سختی‌ها بیان شده به برخی از آنها عبارتند از:
۱- صبر و شکیبایی: انسان که نمی‌تواند سختی ابتلائی را از میان بردارد، باید با صبر و شکیبایی از آن عبور کند تا با کمترین اضطراب به آسانی برسد و از سختی عبور کند.(بقره،آیات ۴۵ و ۱۷۷؛اعراف، آیات ۱۳۸ و ۱۲۹)
۲- استعانت از نماز و روزه: برای عبور از سختی‌ها بهترین کار آن است که انسان از خدا استعانت بجوید که

انسان‌ها با حضور رهبران الهی و ایمان‌آوری، در معرض ابتلائات بیشتر و سخت‌تری از نظر کمیت و کیفیت قرار می‌گیرند؛ چرا که این ابتلائات نه تنها موجب رشد آنان است، بلکه بسا این مجموعه عظیم کمی و کیفی ابتلائات و سختی‌ها، مومنان از منافقان و مانند آنها بازشناخته می‌شوند.

واکنش در برابر این دسته از سختی‌ها بیان شده به برخی از آنها عبارتند از:

۱- صبر و شکیبایی: انسان که نمی‌تواند سختی ابتلائی را از میان بردارد، باید با صبر و شکیبایی از آن عبور کند تا با کمترین اضطراب به آسانی برسد و از سختی عبور کند.(بقره،آیات ۴۵ و ۱۷۷؛اعراف، آیات ۱۳۸ و ۱۲۹)

۲- استعانت از نماز و روزه: برای عبور از سختی‌ها بهترین کار آن است که انسان از خدا استعانت بجوید که

مؤمن بصبر در برابر سختی‌ها سرشته شده‌است

در این راه وسائلی چون نماز و روزه بسیار مفید و سازنده است.(بقره، آیات ۴۵ و ۱۵۳؛ روایات تفسیری)
۳- دعا: از دیگر واکنش‌های مثبت در برابر سختی، دعا است تا خدا سختی را آسان کرده و توفیق عیوب سالم از آن را بدهد.(یونس، آیه ۱۲، طه، آیات ۲۵ و ۲۶ و ۲۶، نمل، آیه ۶۲، روم، آیه ۳۳) در قرآن بیان شده که حضرت موسی(ع) در هنگام سختی، از خدا درخواست می‌کند تا آسانی را نصیب او گرداند و از سختی عبور سالم دهد(طه، آیه ۲۵ تا ۲۸)
۴- تهجد شبانه: از دیگر واکنش‌ها در برابر سختی‌ها، تهجد شبانه است که انسان را به مقام محوم می‌سازد و مشکلات و سختی‌ها را آسان کرده و به سادگی از آن عبور می‌دهد.(مزمّل، آیات ۶ تا ۱۰)

۵- التزام به احکام شریعت: انسان هر چه بیشتر به احکام توجه و اهتمام ورزد بهتر می‌تواند در امور زندگی با مشکلات و سختی‌ها دست و پنجه نرم کند. در مشکلات زناشویی می‌توان با بهره‌گیری از احکام شریعت به آسانی سردهه‌شود؛ زیرا کمیت که چنین نسوری از ابتلائات الهی دارند، نسوری نادرست و باطل دارند و می‌بایست آنان را از جرمه منافقان و سنت ایمان‌ها برشمرد.(نساء، آیه ۲۷)
۶- توسل: یکی مومنان نه تنها از سختی‌های ابتلائی فراری نیستند، بلکه به استقبال آن در میایند؛ جهاد می‌شتانند.

۷- بهترین واکنش‌ها در برابر سختی‌ها
از آنجا که امکان رهایی از سختی‌ها ابتلائی نیست و انسان نمی‌تواند کاری کند که بدان‌ها گرفتار نشود، لازم است روشنی را اتخاذ کند تا بهترین واکنش را در برابر سختی‌ها داشته باشد. در آیات قرآن روش‌هایی برای

ابتلاء رهایی یافت، بلکه باید کاری کرد تا از این ابتلائات بر اساس فلسفه الهی آن پرهمند شد. خدا در قرآن بیان می‌دارد که سنت الهی مقتضی آن است که مومنان گرفتار سختی‌های ابتلائی باشند و این گونه نیستند که دوری از سختی‌های ابتلائی نعمت شمرده‌شود؛ زیرا کمیت که چنین نسوری از ابتلائات الهی دارند، نسوری نادرست و باطل دارند و می‌بایست آنان را از جرمه منافقان و سنت ایمان‌ها برشمرد.(نساء، آیه ۲۷)
۸- توسل: یکی مومنان نه تنها از سختی‌های ابتلائی فراری نیستند، بلکه به استقبال آن در میایند؛ جهاد می‌شتانند.

۹- ایمان به همراه بودن سختی با آسانی‌ها: ایمان‌آوری به این که هر سختی آمیخته با دو آسانی است، موجب می‌شود تا انسان در هنگام ابتلاء به سختی‌ها، جزع و فرغ نکند و با امید به گذر از سختی‌ها، به آسانی و راحتی چشم بدوزد. (شرح، آیات ۵ و ۶)

معارف

MaarefKayhan@Kayhan.ir

در بحیوحه سختی به انسان بازگرداند.(شعراء؛ آیات ۱۶۷ تا ۱۲۰، غافر، آیات ۲۶ و ۲۷؛ ناس، آیات ۴)

۱۲- امیدواری به خدا: انسان در هنگام سختی می‌بایست به رحمت و فضل الهی امید داشته باشد تا از سختی عبور کند.(هود، آیات ۹ و ۱۱، یوسف، آیه ۸۷ حج، آیه ۱۵، طلاق، آیه ۷)

۱۴- اتفاق مائی: در هر سختی انسان می‌تواند با اتفاق مائی شرایط را بهبود بخشد و خود را از مشکلات و سختی‌ها برهاند. (آل عمران، آیات ۱۳۳ و ۱۳۴)

۱۵- اهتمام و توجه به ولایت الهی: از دیگر واکنش‌های انسان در هنگام سختی آن است که به ولایت الهی اهتمام و توجه نماید؛ زیرا چنین توجه و حالتی می‌تواند او را جزو اولیای الهی قرار داده و از هرگونه حزن نسبت به گذشته از دست رفته و خوف نسبت به آینده ناشناخته رهایی بخشد و به آرامش برسد.(یونس، آیه ۶۲)

۱۶- تقویت ایمان: انسان می‌بایست در سختی‌ها ایمان خویش را تقویت کند و هر سختی را آزمایشگاهی برای جداسازی خیر و شر، پاکي و ناپاکي و مانند آنها برشمرد؛ با تقویت ایمان به خدا و عمل به دعوت خدا و رسول‌الله (ص) سختی‌ها را بر خویش آسان و گوارا سازاد. (توبه، آیه ۱۱۷؛ آل عمران، آیات ۱۷۱ و ۱۷۲)

۱۷- تحمل سختی: انسان باید به دور از هرگونه جزع و فرغ، سختی‌ها را تحمل کند و با استقامت در هدف خویش بکوشد و از میدان خارج نشود و پا پس نکذارد. (بقره، آیه ۲۱۴، آل عمران، آیه ۱۸۶)

۱۸- یاد خدا و عبادت: از دیگر واکنش‌های موثر در برابر سختی‌ها می‌توان به ذکر الله و عبادت الهی اشاره کرد. هرگاه سختی بر انسان فشار آورد می‌بایست با یاد خدا و عبادت به درگاهش از مشکلات عبور کرد و آن را گوارای وجود ساخت.(حجر، آیات ۹۷ و ۹۸؛ طه، آیه ۱۲۰؛ انسان، آیات ۲۴ و ۲۵)

۱۹- توکل به خدا: توکل و اعتماد به خدا در سختی‌ها می‌تواند بهترین واکنش در برابر آن باشد.

از نظر قرآن، صرف ایمان موجب نمی‌شود تا انسان از سختی‌ها و مصیبت‌ها رهایی یابد؛ بلکه خود ایمان موجب قرارگیری انسان در شرایط دشواری می‌شود که سنت ابتلاء اقتضای آن را دارد.

پیامبران با عزم برخاسته از جزم ایمان و علم به میدان می‌روند و در برابر سختی‌ها عقبنشینی نمی‌کنند، بلکه آنها را جلوی خویش برمی‌دارند تا به آسانی پس از آن خدا و بازگشت به او، عامل تحمل مصائب و مشکلات است. بنابراین انسان می‌بایست به تقویت ایمان به مالکیت خدا بپردازد تا از سختی‌ها به راحتی عبور کند.(بقره، آیه ۱۵۶)

۲۱- عبرت از گذشتگان: توجه به مشکلات گذشته‌گان و عبرت‌گیری از رفتار انسان می‌تواند در واکنش‌های انسان در برابر سختی‌ها بسیار موثر باشد. بنابراین، لازم است تا در زندگی به مشکلات گذشتهگان توجه یافت تا به آسانی از مشکلات پیش رو عبور کرد. (بقره، آیه ۲۱۴، فصلت ، آیه ۴۳؛ عنکبوت، آیات ۳ و ۴) به سخن دیگر، اطلاع یافتن از گرفتاری مومنان پیشین به سختی‌ها، پرمایه‌ای است از مشکلات گذشتهگان و مومنان و پیامبران اشاره می‌کند تا مشکلات امروزی برای مومنان آسان شود و از زندگی آنان سرمشق گیرند. (همان)

۲۲- توجه به امداد غیبی: از نظر قرآن، ایمان به نصرت الهی و امدادهای غیبی، هنگام مواجهه با مشکلات، عامل تحمل و بردباری در برابر آن است. بنابراین لازم است تا انسان به این نکته توجه یافته و بدان ایمان آورد تا مشکلات بر او آسان شود. (بقره، آیه ۲۱۴)

۲۳- تسبیح کوبی: تسبیح‌گویی یعنی ذکر سبحان‌الله می‌تواند سختی‌ها را بر مومنان آسان کند و آسانه تحمل آنان را افزایش دهد(حجر، آیات ۹۷ و ۹۸؛ طه، آیه ۱۳۰)

اگر انسان این گونه باشد، حتی اگر فقیر مادی باشد، همان اندک خویش را به دیگران می‌بخشد و با کرامت و ایثارگری نشان می‌دهد که امید به فضل الهی دارد. خدا در قرآن بیان می‌کند که مقربان الهی که ابرار از آنان پیروی می‌کنند، با آنکه از نظر مادی گرفتار فقر اقتصادی هستند، ولی به سبب توجه به «وجه الله»

احسان به وقت تنگی

■ مرتضی رحمانا

خدا در قرآن بیان می‌دارد که یکی از راه‌های رهایی از فقر آن است که انسان از اندک خویش نیز اتفاق کند؛ زیرا این نوع رفتار کریمانه موجب جلب محبت الهی است و چون خدا محسنان را دوست می‌دارد، پاداش نیکوتر به آنان می‌دهد.

از محسوب مورد نیاز خویش می‌گردند و به دیگری می‌دهند؛ چنانکه درباره اهل بیت عصمت و طهارت(ع) در قرآن آمده است، و به محبت و دوستی‌اش بینوا

و تیسیم و اسیر جنگی کافر را خوراک می‌دادند؛ ما برای رضایت و خشنودی خداست که به شما غذا می‌دهیم و پاداش و سیاسی از شما نمی‌خواهیم. (انسان، آیات ۸ و ۹)

در این آیات بیان شده که اهل بیت(ع) محبوب خویش یعنی آنچه مورد نیازشان بود را برای محبت الهی به دیگری دادند که شامل حتی اسیر جنگی می‌شود. ایبن عبّاس نقل کرده که امام حسن(ع) و امام حسین(ع) بیمار شدند. پیامبر(ص) با جمعی از یاران به عیادتشان آمدند و به گفتند: چه خوب است که برای بهبودی فرزندان نذری کنی. علی(ع) و فاطمه(ص) و فقه - کنیز آن دو بزرگوار- نذر کردند که اگر کودکان بهبودی یافتند، سه روز روزه بگیرند. بچه‌ها بهبودی یافتند و نذری از کسانا باقی نماند. حضرت علی(ع) برای روزه گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخوردند و با شکم گرسنه دوباره بیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم بتیمی به دو خانه آمد و غذا خواست و گفت: ای نذر گرفتن و ادای نذر خود سه من جو قرض گرفت و فاطمه(ص) پس من آن را آرد کرده، از تمام افطار خورد و به همین حال سالی به دو خانه آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد(ص). من مسکینم، مرا طعام هدیدا خاندان پیامبر آن سائل را بر خود مقدم شمرده، افطار خود را به او دادند و آن شب چیزی جز آب نخورد